

نگاهی به سیره رسول رحمت راهگشای وحدت

دعوت به عقل و برهان و پرهیز از وهم و گمان، ست مشترک همه انبیاست. در شرح حال بسیاری آنان چنین آمده است: قل ائی علی بینه من ربی، من با بینه پروردگارم، راه خود را می‌روم.



دعوت به عقل و برهان و پرهیز از وهم و گمان، ست مشترک همه انبیاست. در شرح حال بسیاری آنان چنین آمده است: قل ائی علی بینه من ربی، من با بینه پروردگارم، راه خود را می‌روم. به گزارش خبرگزاری مهر، مقوله وحدت از مباحث بسیار مهم جامعه مسلمین به شمار می‌رود. حرکت‌های افراطی گروه‌هایی موسوم به داعش بیانگر موجی بر هم زنده بر این اصل مهم است تا شکاف سطحی بین مسلمین راعمیق و ژرف تلقی کنند و جلوه‌ای ناپسند از رحمانیت و رأفت اسلام ناب محمدی را به جهانیان منعکس نمایند. بنابراین هفته پیش روکه به مزین به ولادت با سعادت پیامبر رحمت (ص) و هفته وحدت می‌باشد دارای ویژگی و رسالتی بس والاست تا بتوان چهره واقعی اسلام و مسلمین را در پرتو این مهم به رخ کشید.

یادداشت ذیل از کتاب نفیس "پیامبر رحمت" مفسر بزرگ قرآن آیت الله جوادی آملی است که تقدیم می‌گردد: مبارزه با جهل و تقلید کورکورانه، ست قطعی و عالمانه هر پیامبر است و از لوازم رسالت عامه به شمار می‌آید. تمسک به تقلید کورکورانه، سیره باطل مترفان هر امت است. قرآن کریم، به صورت یک اصل مستمر تاریخی می‌فرماید: و کذلک ما ارسلنا من قبلك فی قریه من نذیر الا قال مترفوها انا وجدنا آباءنا علی امة و انا علی آثارهم مقتدون * قال أولو جئکم باهدی ممّا وجدتم علیه آبائکم هیچ پیامبری را نفرستادیم، مگر اینکه رفاه طلبان در برابر او به ست باطل گذشته پدران خود تمسک کردند و دیگران را هم به دنبال خود کشاندند. پیامبر الهی در برابر این تمسک سنت‌گرایانه و جاهلانه می‌گوید: آنچه من آوردم، با افکار و آرای گذشته خود بسنجید، اگر رهاورد وحی، از ست گذشتگان شما بهتر بود، از آن تبعیت کنید.

دعوت به عقل و برهان، و پرهیز از وهم و گمان، ست مشترک همه انبیاست. در شرح حال بسیاری آنان چنین آمده است: قل ائی علی بینه من ربی، من با بینه پروردگارم، راه خود را می‌روم. پیامبر اکرم (ص) برای ترغیب انسانها به برهان عقلی و فکر منطقی فرمود: ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی؛ من و پیروانم مردم را با بصیرت، به سوی خدای سبحان دعوت می‌کنیم.

منظور از بینه، وحی است. باید توجه داشت که عقل در برابر وحی نیست، بلکه چراغی است که انسان وحی را به وسیله آن می‌شناسد. عقل برهانی، چراغ قوی و وحی راه مستقیم است. تنها با عقل، هرگز نمی‌توان به مقصد رسید، زیرا چراغ، تنها راه را نشان می‌دهد؟! اگر راهی نباشد، چراغ چه چیز را نشان دهد. چراغ برای تشخیص راه از بیراهه است. آنچه انبیا آورده‌اند، راه است و عقل چراغ خوبی است تا انسان در پرتو آن، صراط مستقیم را از دیگر مسیرها تشخیص دهد.

* دعوت به وحدت

دعوت به وحدت و پرهیز از اختلاف نیز از اصول مشترک پیام‌آوران الهی و قوانین کلی نبوت و رسالت عامه است: انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما اختلفوا فیه؛ ما با پیامبران کتاب حق را نازل کردیم تا آن کتاب، بین مردم به حق حکم کند و اختلافات آنها را برطرف کند.

اختلاف عقل از عرضة آرا و افکار بر وحی و کتاب آسمانی، اختلاف مقدس و طبیعی و لازم و مایة تضارب آرا و سبب شکوفایی حقایق علمی است؛ اما پس از آنکه وحی آسمانی، حق و باطل را مشخص کرد و شکوفایی حقایق علمی حاصل شد و دین الهی اختلاف را حل کرد، اگر کسی اختلاف ایجاد کرد، باطل است، زیرا حق که رشد است، از باطل که غی و گمراهی است، متمایز گشته است: قد تبین الرشد من الغی؛ هدایت و رشد از غی و گمراهی روشن شد. خدا خطاب به رسول اسلام فرمود: و ما انزلنا علیک الکتاب الا لتبین لهم الذی اختلفوا فیه؛ ما قرآن را بر تو فرو نفرستادیم؛ مگر برای آنکه آنچه مورد اختلاف مردم است، بیان کنی.

* رحمت بودن برای مردم

پیامبران مظهر رحمت و لطف خدا هستند. آنان برای زدودن رنج و عذاب از مردم، از دو جهت می‌کوشیدند: یکی اینکه از تقدیر و تعیین عذاب، در بعضی مراحل قضا و قدر جلوگیری می‌کردند و دیگر آنکه زمینه فراهم‌شده عذاب را برطرف می‌کردند. بنابراین دعوت آنان برای دفع عذاب، از برجسته‌ترین صفتهای رحمت خاص الهی است که در فرشتگان و انبیای الهی، به ویژه رسول اکرم (ص) ظهور کرده است. رحمت خاص خدا این است که اولاً بر اثر هدایت، کسی گرفتار گناه نشود و ثانیاً اگر کسی بعد از ایمان،

به گناه مبتلا شد، باز هم امکان شمول رحمت خاص را داشته باشد. پس لطف خدا، برای «دفع عذاب» و «رفع عذاب» است. از آنجا که سلسله علی و معلولی جهان، ذاتی جهان است و هر بهره و فیضی، مجرای مخصوص دارد، خداوند این دو صفت «دفع عذاب» و «رفع عذاب» را به پیامبران و فرشتگان عطا کرده است. دعای فرشتگان در پیشگاه خدا این است: فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم؛ پروردگارا پس آنان را که توبه آورده و از راه تو پیروی کرده‌اند بیامرز و از عذاب دوزخ بازدار. این درخواست از طرف ملائکه همان اراده رفع عذابی است که بر اثر تبهکاری گروهی مقدّر شده؛ ولی به قضای قطعی نرسیده است. انبیا نیز عذاب را از مردم دفع و آنها را هدایت می‌کنند تا کاری نکنند که مستحق عذاب باشند. آنها برای مردم دعا یا از آنها شفاعت می‌کنند، تا گناهانشان بخشیده شود.

ممکن است انسان ابتدا به مکروهات مبتلا شود و کم‌کم به گناهان صغیره و در پایان به گناهان کبیره آلوده گردد. پس باید امیدی برای بازگشت به سوی خدا باشد تا به صرف ارتکاب بعضی گناهان، زمینه یأس فراهم نشود. ملائکه و پیامبران، با شفاعت و طلب مغفرت از خداوند، این امید را در دل گناهکاران حفظ می‌کنند، زیرا اگر گناهکار، امید خود را از دست بدهد و دیگر هیچ راهی برای درمان خود نیابد، بر اثر اصرار بر گناه، زمینه شرک در او فراهم می‌شود، چنان‌که قرآن کریم به این نکته لطیف اشاره فرموده است: ثم کان عاقبة الذین اساؤا السواى ان کذبوا؛ سرانجام آنان که بدی کردند، بدی بود، برای آنکه آیات خدا را دروغ شمردند.

بر این اساس، هدف از شفاعت و طلب مغفرت این است که روح امید در انسان دمیده شود؛ نه اینکه انسان، مغرور و متجری شود. فرق بین رجا و غرور، فرق بین حق و باطل است. رسول اکرم(ص) مظهر رحمت خاص الهی بود و استغفار آن حضرت برای تبهکاران تائب، رافع عذاب: و لو اُثم اذ ظلموا انفسهم جاؤک فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحیم؛ اگر آنان هنگامی که به خویش ستم روا داشتند، نزد تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر برای آنان آمرزش می‌خواست، خدا را توبه‌پذیر بخشاینده می‌یافتند؛ یعنی توبه آنان و طلب آمرزش تو اثر می‌کند.

امید است در پرتو تأسی به دستورات و سیره مرسلین رضای ذات اقدس اله را جلب نماییم.